

تحقیقی پیرامون

فرقه اهل حق

قسمت اول

اسماعیل قبادی

از طلاب رشته تخصصی علم کلام

نوشته حاضر شرح عقاید و آداب دینی برخی از مناطق غربی و شمال غربی استان کرمانشاه است و چه بسا پیروان این فرقه در استانهای دیگر مثل لرستان، همدان، تبریز، تهران و یا جاهای دیگر عقاید و آدابی متفاوت داشته باشند.

مطالب این نوشتار حاصل تحقیقات نسبتاً دقیق و دامنه داری است که طی سه سال از نزدیک و در میان پیروان این فرقه انجام گرفته است. در این راستا، برخی از نظریه های نادرستی را که پیرامون فرقه اهل حق از طرف محققان خارجی یا داخلی ابراز گردیده، در جای خود یاد آور خواهیم شد.

محورهایی که پیرامون آن بحث خواهیم کرد عبارتند از:

- ۱- مناطق سکونت فرقه اهل حق؟
 - ۲- تاریخ پیدایش فرقه و مؤسس آن؟
 - ۳- کتب و دفاتر دینی آنها و یا منسوب به این فرقه؟
 - ۴- وضعیت فرهنگی، اقتصادی، سیاسی فرقه اهل حق؟
 - ۵- معابد، زیارتگاهها و مقابر سرسلسله های فرقه اهل حق؟
 - ۶- اعتقادات دینی این فرقه؟
 - ۷- احکام و برنامه های عملی فرقه اهل حق.
- اینک به بررسی محورهای یاد شده

«اهل حق» نامی است که بر شعبه ای از غلاة اطلاق می گردد که نسبت به حضرت علی - علیه السلام- راه غلو را پیموده و برای او مقام الوهیت اثبات کرده اند. و نه تنها آن حضرت، بلکه بسیاری از مرشدان (سادات، کاکیها، باباها) و رؤسایشان را تا مقام الوهیت و محل نزول تجلی ذات حق بالا می بردند.

البته اقوال در باره الوهیت و همچنین محل تجلی ذات الهی بسیار مختلف و گاهی گنگ و مبهم است که دسته ها و یا شعب مختلف این مسلک هر کدام به تناسب استنباط خود تعابیر متفاوتی دارند.

هرشاخه و یا سلسله، سرسلسله های مشخص و مجزاً با عقایدی متفاوت دارند که به عقیده بعضی از افراد اهل حق، همه این سرسلسله از تجلی ذات الهی برخوردارند.

می پردازیم:

پیرو مذهب اهل حق می باشند، احتمالاً حدود ۴۰ هزار نفر از مردم اسلام آباد و حومه آن پیرو این مذهبند.

۱- مناطق زندگی فرقه اهل حق

قبل از آن که به نقل و بررسی عقاید و آداب دینی فرقه اهل حق پردازیم، گزارشی اجمالی از مناطق زندگی آنان در داخل و خارج از کشور ارائه می دهیم:

اهل حق در ایران

الف) استان کرمانشاه

یکی از عمده ترین مراکز و مناطق زندگی اهل حق در ایران استان کرمانشاه است. شهرها و بخشها و روستاهایی که اهل حق در آنها به سر می برند عبارتند از:

۱- شهرستان کرمانشاه و روستاهای گریان (حد فاصل بین کرمانشاه و هرسین)، روستاهای منطقه «عُثمانوُند» و «سَن رستم» و برخی روستاهای توابع «ماهیدشت»، و نیز روستاهای منطقه بیلِسوار (حد فاصل کرمانشاه، کامیاران) به نامهای: میان دربند، بالا دربند، پشت دربند و ...

۲- اسلام آباد غرب و حومه آن مانند سوران علیا و سفلی، چُنْگَر (سیمین و تند، جلیل وند)، حدود شصت الی هفتاد روستا از کل روستاهای کوزران سنجابی که حدود ۱۳۵ روستا می باشد، و ۶۵٪ ساکنان خود کوزران

۳- کرند غرب و توابع آن از عمده ترین مراکز اهل حق است علاوه بر شهر «کرند»، ساکنان قریب ۱۲۰ روستای تابع دهستان گهواره، به جز چند روستا که پیرو مذهب شافعی می باشند، اهل حق هستند، از روستاهای معروف منطقه کِرِند، حریر، سَرمیل، سُرخه لیزه و روستاهای گهواره، بیامه، بروند، قلعه زنجیر، گردکان کوره، گوراجوب، توت شامی، را می توان نام برد. جمعیت اهل حق در منطقه کِرند به ۱۵۰ هزار نفر تخمین زده می شود علاوه بر این روستاهای بیوتیژ در حدود ۱۵ روستا همگی اهل حق هستند که جزء کرند می باشند.

۴- سرپل ذهاب: بیش از ۲۰٪ سکنه این شهر پیرو مسلک اهل حق می باشند، و حداقل ۲۳ روستا از حومه آن نیز همین مسلک و مرام را دارند. از روستاهای معروف، پَس پَس، رشیدعباس، دُول اِلِباس، جَلالوُند سفلی، بَلَوان و روستاهای قَره بُلَاح و روستاهای تابع دهستان بزمیر آباد را می توان نام برد. روستاهای حومه شهر در شعاع مسافت ۱۰ کیلومتری شهر قرار دارند، ولی روستاهای دهستان بزمیر آباد یا «پشت تنگ» بیش از ۴۰ کیلومتر از شهر فاصله دارند.

تبریز نیز اهل حق سکونت دارند و طبق تحقیقات به عمل آمده اهل حق های این ناحیه معروف به گورانی هستند که به نظر می رسد از منطقه گوران به مرکزیت گهواره (کرند غرب) در گذشته های دور به این سمت مهاجرت کرده باشند.

د) حوالی تهران و شمال

در رودهن و خود تهران مراکزی وجود دارند که اهل حق ساکن اند و همچنین کلاردشت شمال و حوالی کرج به نام هشتگرد اهل حق سکونت داشته و مخصوصاً در هشتگرد تعدادشان قابل توجه است.

ه) استان زنجان و همدان

در ناحیه اسد آباد همدان و قسمتهایی از توابع آوج و رزن حد فاصل همدان و استان زنجان کم و بیش اهل حق به صورت پراکنده سکونت دارند.

اهل حق در خارج از ایران

۱- کردستان عراق

در حوالی شمال عراق، کرکوک افرادی از این فرقه وجود داشته اند اگر چه با نام های دیگر و عناوین مختلف، علاوه بر فرقه اهل حق، فرقه های دیگر نیز در این نواحی موجود

۵- قصر شیرین: گرچه هنوز همه سکنه شهر و روستاهای حومه قصرشیرین در آن استقرار نیافته اند، ولی به نظر می رسد که بیش از ده درصد مردم آن بر مرام اهل حق باشند.

۶- صحنه و دینور: حدود ۳۰ الی ۵۰ درصد مردم صحنه پیرو مذهب اهل حق هستند و بسیاری از روستاهای حومه آن هم همین مرام را دارند، جمعیت اهل حق در بخش دینور نیز قابل توجه است، روستاهایی از کنگاور و اسد آباد هم تحت پوشش اهل حق منطقه صحنه و دینور می باشند.

ب) استان لرستان

در قسمتهایی از نواحی تابعه استان لرستان نیز فرقه اهل حق به طور پراکنده سکونت دارند، از جمله این مناطق که عموماً روستایی هستند، «بلوران» واقع در جاده اسلام آباد غرب - پل دختر و نیز حومه گراب و روستاهایی از توابع نور آباد قسمتهایی از بوالوفا و بخشی از طایفه ذو النور اهل حق بوده اند؛ گرچه در این منطقه تحوّل چشمگیری صورت گرفته و با گرایشات روز افزونی که به سمت انجام فرایض دینی دیده می شود، این فرقه پایگاه فرهنگی و اجتماعی مناسبی ندارد و این طوایف فرایض را انجام می دهند.

ج) آذربایجان شرقی

در بخش «ایلخچی» از قصبات معروف

بوده که ریشه در فرهنگ فارسیان دارند.

۲- ترکیه، آلبانی

در ترکیه فرقه‌هایی وجود دارند که معروف به «بگتاشی» هستند که «علوین» نیز به آنها اطلاق می‌شود و در دوره‌ای نبض قدرت سیاسی، نظامی ترکیه را در دست داشته‌اند و فعلاً عبادتگاه آنها «تکیه» نام دارد. اهل حق‌های ایران آنها را یکی از شاخه‌های اهل حق می‌دانند.

در تمام مناطق اهل حق نام‌هایی مثل «غلاة»، «علی‌اللهی»، «یارستان»، «آیین یاری»، «علوی» استعمال می‌شود که گاهی این اصطلاحات از نظر مفهوم و معنی تفاوت عمیق با هم دارند.

در کشور اروپایی آلبانی نیز عمدتاً شیعیان آنجا تحت همین نام بگتاشی معروف‌اند که شعبه‌ای از اهل حق می‌باشد.

۳- سوریه

در کشور سوریه جمعیت قابل توجهی وجود دارند که تحت عناوین «علوین» و «علی‌اللهی» معروف بوده که عمدتاً در شمال و شمال غرب آنجا سکونت دارند که اخیراً گرایشاتی به سمت انجام فرایض داشته‌اند.

۴- افغانستان

در قسمت‌های شمالی افغانستان و برخی

مناطق دیگر این کشور جمعیت قابل توجهی تحت نام «علی‌اللهی» و یا «اسماعیلیه» معروف‌اند و فعلاً افراد این فرقه بیشتر تحت رهبری سید منصور نادری در شمال این کشور نفوذ دارند.

۵- تاجیکستان و جمهوریهای آسیای میانه

در تاجیکستان در بعضی از نواحی مثل «پامیر»، «کافرنهان» و منطقه خود مختار «بدخشان» نیز افرادی از این شیعیان غلاة به چشم می‌خورند که بیشتر تحت عنوان «اسماعیلی» معروف‌اند.

اهل حق ایران معتقدند چون مذهب آنها جنبه عرفانی و صوفیانه دارد افرادی را در اروپا و آمریکا جذب نموده‌اند.

تاریخ پیدایش و مؤسس فرقه اهل حق

در مورد تاریخ پیدایش فرقه اهل حق مطلب مستند و استواری در کتب تاریخ و ملل و نحل در دست نیست، با این حال برخی نویسندگان هوادار این فرقه بر آنند که تاریخ پیدایش این فرقه به قرن دوم هجری باز می‌گردد و در قرن هفتم هجری تجدید حیات یافته است. چنان که آمده است:

«اسرار یارسان که در قرن دوم هجری در

ذاتی اش به وجود وجسم شخصی به نام سلطان
اسحاق حلول خواهد کرد».^(۳)

به طور مشخص تر وبدون استناد به منبعی
قابل قبول نقل می گردد:

«طبق وعده شاه خوشین در سال ۵۸۰
هجری در روستای رزمَنجه از توابع بَرزَنجه
عراق فعلی مطابق با ۱۵ ربیع الأول اسحاق به
دنیا آمده وجهان یارستان اهل حق ومیردان
ودیده داران را به روشنایی کامل هدایت کرد
واین در واقع پس از یکصد سال از رحلت شاه
خوشین بوده است».^(۴)

در بین مردم لرستان (قسمت لکستان)
معروف بوده که شاه خوشین از رهبران اهل حق
بوده است.

یکی دیگر از افراد اهل حق (منطقه گوران)
بدون استناد نقل می کند:

«آیین یاری (اهل حق) در اوایل قرن هشتم
به وسیله شیخ اسحاق به لفظ محلی «سلطان
سهاک» در اورامان کردستان بنیانگذاری ودر
باطن امر طبق گواهی دفاتر(کتاب دست نویس
اهل حق) حقیقت یکصد هزار سال دفتری قبل
از خلقت در عالم ذرات به امر خداوند در بین
ملکوت بنیانگذاری گردید».^(۵)

سینه بهلول نامی ویارانش محفوظ بود و تا قرن
هفتم هجری، آن اسرار بدأبید به یکدیگر
سپرده و در سده هفتم وهشتم به صورت قانون
و ارکان اهل حق وبه نام حق وحقیقت ویارسان
به یاران ابلاغ گردید ودر واقع سلطان اسحاق
روی همین جهت مؤسس ومقنن مسلک اهل
حق محسوب می گردد».^(۱)

در بعضی کتب دیگر، تاریخ ونحوه
پیدایش فرقه اهل حق چنین بیان شده است:

«ظاهراً پیدایش یکی دیگر از فرق غلاة
شیعه «به عقیده «مینورسکی» که در ایران
وسرزمینهای همسایه آن در میان آذربایجان
وترکان، گُردان، وفارس زبانان رواج وافر یافت
مربوط به قرن نهم هجری بوده است، اهل این
فرقه خود را «اهل حق» می نامیدند ولی ایرانیان
شیعه آنان را «علی الهی» می خواندند».^(۲)

در نوشته های پراکنده منسوب به این فرقه
که بیشتر دست نویس وبه صورت منظوم وبه
زبان «کردی محلی» بوده ودر افواه عامه مردم
نقل می گردد، آمده است: «این مسلک ابتداءً
در قرن چهارم توسط شخصی به نام «مبارک
شاه» ملقب به «شاه خوشین» به عنوان سلطان
طریقت در سرزمین فعلی لرستان رواج یافته
ووعده داده که پس از رحلت خود، روح

۱- «نامه سرانجام» یا «دوره هفتانه»، گرد آورنده: صدیق صفی زاده بورکه ای، تهران، ص ۲۵.

۲- اسلام در ایران، ترجمه کریم کشاورز، ص ۳۲۵.

۳- قاسم افصلی، مکاتبات با سازمان دایرة المعارف تشیع، ص ۱.

۴- همان آدرس، ص ۱-۲.

۵- القاضی مجید، آیین یاری، کتابخانه طهوری، تهران ۱۳۶۱، ص ۷.

و چیزی در این مورد نوشته نشده است تا این که دوباره بعد از مدتها این فرقه تحت رهبری شخصی به نام سلطان اسحاق مطرح و آیین اهل حق را تحت همین عنوان تدوین و به صورت رسمی و مکتوب در می آورد.

در میان اهل حق مشهور و معروف است که مؤسس فرقه اهل حق، شخصی به نام سلطان اسحاق بوده که در مورد تاریخ و محل تولد وی چنین نقل گردید:

«وی (سلطان اسحاق) در سال ۶۱۲ هجری در روستای بَرزَنجِه از توابع حلبچه عراق متولد شده، پدرش شیخ عیسی و مادرش خاتون «ذایرک»، «رمز بار» نام دارد». (۱)

ظاهراً محل وفات اسحاق در حوالی کردستان نزدیک مرز ایران و عراق فعلی (پَرْدیوَر) می باشد.

یکی دیگر از افراد اهل حق پیرامون این مسئله می نویسد:

«وی (سلطان اسحاق) پس از درگذشت پدرش شیخ عیسی به علت مخالفت با برادرانش به اورامان ده شیخان (داخل ایران است) مهاجرت کرد و تا آخر در همان جا ماند و زندگی را در حال انزوا گذراند. مسلک اهل حق در زمان ایشان رواج و رسمیت یافت». (۲)

به هر حال تعیین تاریخ و نحوه پیدایش «آیین یاری» یا فرقه اهل حق به طور دقیق مشکل است؛ زیرا منبعی که بتوان تاریخ واقعی ظهور این فرقه و تطورات آن را نشان دهد فعلاً در دست نیست و آن چه در این رابطه وجود دارد، بسیار متفاوت و مختلف نقل گردیده و در کتب قدیم مربوط به ادیان و مذاهب مثل «الفرق بین الفرق» و «بیان الأدیان» و یا کتب ملل و نحل مشهوره که از آثار قرن پنجم و ششم می باشد چیزی راجع به این فرقه نوشته نشده و یا مسکوت عنه بوده است.

از طرف دیگر، در گذشته و حتی امروزه، پیروان این فرقه بسیار سعی دارند که اسرار آیین خود را فاش نمایند و تا آنجا که ممکن است آداب و رسوم و حتی اعتقادات خود را مخفی نگه دارند (شاید به همین علت بوده که بعضی از آداب و رسوم ایرانیان قبل از اسلام در بین این قوم هنوز جایگاه ویژه ی خود را دارد).

البته آن چه که راجع به «غلاة» و «علی اللهی» در کتابها موجود بوده اگر چه مقدار زیادی به آداب و رسوم این فرقه شباهت داشته اما افراد این فرقه (اهل حق) حداقل در مناطقی که ما از نزدیک با آنها بوده ایم به شدت از اطلاق «غلاة» و «علی اللهی» بر آنها بیزارند. بنابراین، از قرن چهارم به بعد اطلاعی از فرقه اهل حق و یا پیشوایان آنان در دست نیست

۱- نامه سرانجام «دوره هفتوا»، ص ۲۵.

۲- نورعلی الهی، برهان الحق، تهران، ص ۳۲.